

سوره «حشر» (۵۹)

تسبیح خداوند عزیز و حکیم

سوره «حشر» با تأکید بر تسبیح همه موجودات آسمانها و زمین برای خداوند «عزیز و حکیم» آغاز و ختم می شود. در افتتاح دو سوره حدید و صف نیز که هر کدام با یک سوره فاصله، قبل و بعد از سوره حشر قرار گرفته اند، عیناً آیه «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» قرار گرفته است^۱. اگر مضامین این سه سوره را که علاوه بر نزدیک بودن به یکدیگر، از نظر سال نزول مقارن نیمه اول^۲ دوران هجرت هستند، بایکدیگر مقابله و مقایسه نمائیم، هم به فصل مشترک آنها پی می بریم و هم رابطه بین تسبیح خداوند عزیز و حکیم (اولین آیه هر سه سوره) را با مفاهیم و موضوعات مطرح شده در آنها درک می نمائیم، بنابراین ابتدا لازم است چنین مقایسه ای را انجام دهیم:

با یک نگاه اجمالی به آیات هر سه سوره علاوه بر آیه آغاز آن، فصل مشترک های ذیل را بدست می آوریم:

۱- قتال - محور هر سه سوره همانطور که از نام سوره ها (حدید، حشر، صف) هویدا است^۳، در رابطه با «جنگ» (قتال) می باشد. با این تفاوت که در سوره حدید، تکیه عمده روی بُعد تدارک جنگ است و بر جنبه های اقتصادی آن (انفاق، صدقات، بخل و...) برای تأمین

۱. با یک اختلاف کوچک در آیه افتتاحیه سوره حدید که به جای جمله «ما فی الارض»، فقط کلمه «ارض» قرار گرفته است.

۲. سوره صف در سال ۲ هجری، حشر در سال ۴ هجری و حدید در سال ۵ هجری به صورت یکپارچه نازل شده اند (با اختلاف ۳ سال).

۳. ترتیب قرار گرفتن این سوره ها نیز در قرآن جالب توجه است. ابتدا مسلح شدن (حدید) آمده، بعد گرد آمدن و بسیج نیرو (حشر)، سپس به «صف» قتال در آمدن.

نیازهای جبهه توجه دارد و در دو سوره دیگر علاوه بر این جنبه^۱، به اصل درگیری و قتال عنایت بیشتری شده است.

۲- نفاق - بخش عمده‌ای از هر سه سوره درباره کسانی است که علیرغم اسلام آوردن حاضر به شرکت در جهاد نیستند و به نحوی از آن‌شانه خالی کرده یا با دشمنان ارتباط خائنانه برقرار می‌نمایند. در سوره «حدید» عدم مشارکت آنان را در تدارک هزینه‌های جنگ با بخل از «انفاق فی سبیل الله» نشان می‌دهد و در این سوره (حشر) روابط پنهانی و وعده‌های دروغین آنها را با یهودیان «بنی النضیر» که در موضع دشمنی با خدا و رسول قرار داشتند برملا می‌کند (آیات ۱۰ تا ۱۷) و بالاخره در سوره صف، بدون اینکه نام منافق روی آنها گذاشته شود^۲، روحیه منافقانه آنها را در عمل نکردن به آنچه می‌گویند (شرکت در جهاد) به وضوح نشان می‌دهد.

۳- صدق ایمان - در برابر چنین منافقینی که ایمان زبانی و ادعائی دارند، در هر سه سوره از مؤمنین راستینی نام می‌برد که با جان و مال در راه خدا جهاد می‌کنند و به این وسیله صدق ایمان خود را ثابت می‌نمایند. در سوره «حدید» از آنان به عنوان صدیقون (آیه ۱۹) یاد می‌کند که با انفاق فی سبیل الله و قرض به خدا در راه جهاد، در زمره «مصدقین و مصدقات» درآمده‌اند. در این سوره (حشر) مهاجرین را به خاطر جانبازی با مال و جان «صادقون» نامیده است (آیه ۸) و انصار را به خاطر ایثار مالی و سعه صدر و تسلط بر بخل و مال دوستی «مفلحون» شمرده است. همچنین در سوره «صف» صداقت آنان را در پیکار صف بسته در راه خدا، که همچون بنیانی از سرب است، نشان می‌دهد.

۴- رسول الله - در هر سه سوره نقش «رسول الله» از بُعد ولایت در امور امت، به خصوص مسئله جنگ و رهبری سیاسی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. بطوریکه کلمه «رسوله» و مشتقات کلمه رسول در این سوره‌ها به نسبت بسیار بالائی به کار رفته است^۳. آنچه توصیه شده اطاعت از خدا و رسول در اینگونه امور و عدم عصیان و سرپیچی و شقاق در برابر دستورات حضرتش می‌باشد. آیه (۷) سوره حشر در مورد تقسیم غنائم توصیه مؤکدی

۱. در سوره حشر آیات ۶ تا ۹ مربوط به غنائم جنگی (فیء)، سلسله مراتب اجتماعی تقسیم ثروت‌های عمومی، فقر و نیاز مهاجرین و ایثار مالی انصار علیرغم احتیاج خودشان، می‌باشد و در سوره صف آیات ۱۰ تا ۱۲ به تجارت با خدا از طریق ایمان به خدا و رسول و جهاد با جان و «مال» شده است.

۲. سوره صف از آنجائی که در اوائل هجرت (سال ۲) نازل شده است هنوز موضعگیری‌ها صریح و آشکار نبوده و صف‌بندیها تحقق نیافته است.

۳. ۸ بار در سوره حدید، ۷ بار در سوره حشر و ۴ بار در سوره صف (این ارقام با توجه به کمی تعداد آیات این سوره‌ها جالب توجه است).

به مسلمانان شده است که تسلیم حکم و نظر رسول الله باشند و زیاده طلبی نکنند و انصار را در آیه بعد به خاطر بلند نظری ستوده است.

۵- کافران - در تمامی سوره های مورد نظر اشاره ای به «الذین کفروا» شده است، آنچنان که از سیاق این سوره ها برمی آید منظور از کسانی که کافر شدند ناسپاسان اهل کتاب می باشند. گویا جبهه مقابل مسلمین در هر سه سوره یهودیان اطراف مدینه و قبائل سه گانه بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع) بوده اند. از آیات (۱۵ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۹) سوره حدید بطور ضمنی چنین معنائی استنباط می شود و از آیات ۲ و ۱۱ و ۱۶ سوره حشر بطور صریح (هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب - یقولون لآخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب) همچنین آیات (۸ و ۹ و ۱۴) سوره «صف» بطور آشکار نسبت کفر را به ناسپاسان بنی اسرائیل (ازامت موسی و عیسی علیهما السلام) می دهد.

۶- فاسقین - در هر سه سوره کافران اهل کتاب را به دلیل خارج شدن از دایره محرمات الهی و نقض قوانین و مقررات دینی «فاسق» نامیده است. مهمترین فسق آنها دشمنی با خدا و رسول و تلاش برای ممانعت از نهضت توحیدی اسلام می باشد. گرچه در رابطه با دین خودشان نیز مرتکب خلاف و خیانت های فراوانی شده اند. ذیلاً آیات مربوط به این مسئله را در سوره های مورد نظر نقل می نمائیم:

حدید (۱۷) ... ولا تکنوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فظال علیهم الامد فقس

قلوبهم و کثیر منهم فاسقون.

حشر (۵) ما قطعتم من لینه اوترکتموها قائمه فباذن الله و لیخزی الفاسقین (منظور

یهودیان بنی نضیر هستند).

« (۱۹) و لا تکنوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم اولئک هم الفاسقون

صف (۵) و اذقال موسی لقومه یا قوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم

فلما زاغوا ازاع الله قلوبهم والله لایهدی القوم الفاسقین

۷- نام جلاله «الله» - تعداد نام «الله» با توجه به تعداد آیات یا کلمات این ۳ سوره بطور

نسبی رقم بسیار بالائی را نشان می دهد، بطوریکه در سوره «حدید» به ازای هر ۱۷ کلمه،

سوره «حشر» به ازای هر ۱۵ کلمه و سوره «صف» به ازای هر ۱۳ کلمه یک بار نام جلاله «الله»

تکرار شده است^۱. در مقایسه با سایر سوره‌ها، این سه سوره در جرگه ۲۰ سوره مقدم هستند.^۲ علت این امر به نظر می‌رسد متوجه ساختن مسلمانان به حاکمیت خدا در جریانات اجتماعی و برخورد با دشمنان در جنگ است، تا امیدوار به پیروزی حق بر باطل و غلبه دین الهی باشند.

اکنون با توجه به فصل مشترک سه سوره یاد شده که در ۷ موضوع مشخص گردید به ابتدای سخن برمی‌گردیم و رابطه «تسبیح» عالم هستی برای خداوند عزیز و حکیم را با مضامین فوق در نظر می‌گیریم. معنای «تسبیح»، منزّه و مبری شناختن خداوند از عیب و نقض و ایراد است. در این سوره از دشمنی یهود با خدا و رسول (آیه ۴) و خیانت منافقین نشان می‌آورد و با تأکید بر «تسبیح» عالم هستی برای خداوند، این حقیقت را القاء می‌نماید که تلاشهای منحرفانه آنها کوچکترین لطمه‌ای به مشیت حکیمانه الهی نمی‌زند و او منزّه تر از آن است که در نظام به غایت پاک و پیچیده خود چنین انحرافات را بپذیرد و عکس العمل نشان ندهد. یا آنکه آنها را موفق و پیروز درکید و مکرشان نماید.

اما دونام نیکوی «عزیز الحکیم» نیز در رابطه با همین دشمنی‌ها و توطئه‌ها معنا می‌دهد. معنای «عزیز» شکست‌ناپذیر است. خداوند چنین نوشته که او و رسولانش بدون شک و تردید پیروز خواهند شد (کتب الله لاغلبینا و رسلی ان الله قوی عزیز - مجادله ۲۱) بنابراین مؤمنینی که در شرایط سخت و سهمگینی قرار دارند، باید امیدوار باشند به راه خدائی می‌روند که شکست‌ناپذیر و پیروز مطلق است و علاوه بر آن، خداوند «حکیم» نیز هست. حکیم به کسی می‌گویند که کارش محکم و استوار و به اصطلاح حساب شده و اصولی است. خداوند «عزیزی» نیست که همانند جباران و سلاطین، عزت و اقتدارش بر پایه اهداف پوچ و باطل باشد، «عزیزی» است که عزتش توأم با حکمت است و اگر انسانها را اختیار و مهلت داده تا بتوانند علیرغم رسولانش، همانند یهود و منافقین، به توطئه و خیانت پردازند، ناشی از ضعف و ناتوانی یا عدم علم و اطلاع او نیست، بلکه مشیت حکیمانه‌اش چنین اقتضاء کرده که انسانها در کوره فتنه و امتحان و ابتلاء قرار گیرند تا جوهر وجودی خویش را بروز دهند.

نکته قابل توجه در بخش اول سوره که جریان اخراج یهودیان را از دیارشان بیان

۱. تعداد نام‌الله در سوره حدید ۳۲ بار، حشر ۲۹ بار و صف ۱۷ بار می‌باشد.

۲. سوره حدید ردیف بیستم، حشر پانزدهم و صف هفتم - موقعیت و ترتیب این سوره‌ها را در جدول ضمیمه سوره «نور» می‌توانید ملاحظه نمائید.

می کند، نسبت دادن کلیه اعمال به خداوند می باشد.^۱

اسماء الحسنی

همانطور که ذکر آن رفت، در این سوره ۲۹ بار نام جلاله الله به کار رفته است. علاوه بر آن، تعداد زیادی از اسماء الحسنی، به خصوص در اواخر سوره تکرار شده است که جمع آن به شرح ذیل به ۲۴ نام می رسد:

عزیز (۳ بار)، حکیم و رحیم هر کدام (۲ بار)، قدیر، رؤف، خبیر، رحمن، ملک، قدوس، سلام، مؤمن، مهیمن، جبار، متکبر، خالق، باری، مصور (هر کدام یک بار).
تعداد این اسماء، به جز نام «الله» ۱۹ می باشد.^۲ جالب اینکه در سه آیه آخر سوره که این اسماء پشت سرهم قرار گرفته اند نیز با رعایت دفعات تکرار هر نام، باز هم به رقم ۱۹ می رسیم (البته با احتساب ۴ بار نام الله). علاوه بر آن، در این سه آیه ۷ بار کلمه «هو» به کار رفته است^۳ که اشاره به ذات باری تعالی دارد.

آهنگ آیات

آیات این سوره به ترتیب ذیل با چهار حرف ختم می شوند:
حرف «ن» (۱۴ آیه)، «م» (۵ آیه)، «ر» (۳ آیه)، «ب» (۲ آیه).

تقسیمات سوره - این سوره از سه بخش عمده تشکیل شده است که هر قسمت سیاق مستقلی دارد:

- ۱- بخش اول آیات (۱ تا ۱۰) درباره اخراج کفار اهل کتاب از دیارشان.
- ۲- آیات (۱۱ تا ۱۷) درباره منافقین و خیانت های آنها.
- ۳- آیات (۱۸ تا ۲۴) آیات اخلاقی و توحیدی خطاب به مؤمنین.

۱. مثل: هو الذی اخرج - ظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله - فاتیم الله من حیث لم یحتسبوا - قدف فی قلوبهم الرعب - کتب الله علیهم الجلاء - لعذبهم فی الدنیا - فبأذن الله و لیخزی الفاسقین - ما افاء الله علی رسوله - لکن الله یسلط رسله علی من یشاء

۲. در این سوره ۲ بار «شدید العقاب» و یک بار «عالم الغیب و الشهاده» به کار رفته است که در ردیف اسماء محسوب نشده است. این عناوین که حالت وصفی دارد و از یک کلمه بیشتر ترکیب شده صفت خدا را نشان می دهد.

۳. در کل سوره ۹ بار کلمه «هو» به کار رفته است (آیات ۱ و ۲ و سه آیه آخر سوره)

ارتباط سوره‌های حشر و ممتحنه (۵۹ و ۶۰)

وجه مشترک میان این دو سوره، موضوع تولی و تبری (ولایت و براءت) است. با این تفاوت که در سوره «حشر» براءت از یهود را مطرح می‌سازد و منافقین را به خاطر دوستی پنهان با آنها و روابط برادرانه با دشمن مذمت می‌نماید و در سوره «ممتحنه» براءت از کفار (قریش، مردم مکه) مورد نظر است و مسلمانان ساده لوح و سست عنصر را بخاطر ادامه روابط دوستی و خویشاوندی با کسانی که اکنون در جبهه مخالف آنها قرار گرفته و دشمن خدا محسوب می‌شوند (در جریان ارسال پیک برای مطلع ساختن خویشاوندان از حمله مسلمانان به مکه) مورد سرزنش قرار می‌دهد.

در سوره حشر آیه (۱۱) $\left\{ \begin{array}{l} \text{الم تر الى الذين نافقوا يقولون لآخوانهم الذين كفروا من اهل} \\ \text{الكتاب لئن اخرجتم لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم احداً ابداً و} \\ \text{ان قوتلتم لننصرنكم والله يشهد انهم لكاذبون.} \end{array} \right.$

و در سوره ممتحنه (۱) $\left\{ \begin{array}{l} \text{يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا عدوى و عدوكم اولياء تلقون} \\ \text{اليهم بالموءة و قد كفروا بما جاءكم من الحق ...} \end{array} \right.$

با اینکه تمامی آیات سوره ممتحنه در براءت از مشرکین مکه است، ولی در آخرین آیه آن اشاره‌ای نیز به پرهیز از روابط دوستی با یهود می‌کند تا هر دو جناح دشمن را معرفی کرده باشد:

يا ايها الذين آمنوا لاتتولوا قوماً غضب الله عليهم قد يئسوا من الآخرة كما يئس الكفار من اصحاب القبور.

سوره حشر در سال چهارم هجرت، که اوج اختلاف و درگیری با همسایگان یهودی مدینه است، نازل شده است و سوره ممتحنه در سال دهم هجرت در جریان فتح مکه. در این زمان قبائل یهودی به کلی تار و مار شده و مسئله‌ای برای مسلمانان محسوب نمی‌شدند. بنابراین این به نظر می‌رسد توصیه آخرین آیه سوره ممتحنه در احتراز از روابط دوستی (بطوریکه ایجاد ولایت نماید) با یهود برای نسلهای آینده مسلمانان باشد (والله اعلم).